

محافظة کارانه رفتار کنند و در نتیجه با رأی ممتنع منجر به دخالت ناتو و غرب برای سرنگونی معمر قذافی شدند. در بحران سوریه رویکرد فعالانه داشته و از سال ۲۰۱۵ و بعد از گذر سه سال از بحران سوریه به صحنه نبرد علیه تروریسم وارد شدند.

روسیه و جمهوری اسلامی ایران با اهداف متفاوت، برای نقش آفرینی در منازعه سوریه به یکدیگر نیاز داشته و دارند. پس از آغاز منازعه و تا پیش از حضور نیروهای روسی در قالب عملیات هوایی، دولت بشار اسد تا آستانه سقوط پیش رفته بود و این می توانست بالاترین نقطه آسیب به منافع ایران در سوریه باشد. براین اساس و بنا بر برخی اخبار رسانه ها، این مستولان نظامی ایرانی بودند که در اقناع رئیس جمهور روسیه برای نقش آفرینی مستقیم در منازعه سوریه، نقش اصلی را ایفا کردند. روسیه با توجه به مجموعه ای از الزامات و دلایل مختلف از جمله افزایش نفوذ در غرب آسیا برای قدرت یابی برابر آمریکا، افزایش عرصه های مواجهه با غرب و کاهش تمرکز در مساله اوکراین و منافع اقتصادی سوریه از جمله انرژی وارد منازعه سوریه شد. به عبارت دیگر، منازعه سوریه و حضور ایران در آن، کاتالیزوری برای کنشگری و نقش آفرینی مسکو در غرب آسیا بود.

با روی کار آمدن دولت حسن روحانی و نگاه غربگرایانه این دولت، روابط ایران و مسکو متمایل به سردی رفت و بعد از توافق سال ۲۰۱۵ درباره برنامه هسته ای ایران، مسکو از کشش ایران به سمت غرب نگران بود. برای روسیه بهترین گزینه این است

شورای امنیت علیه برنامه هسته ای ایران، روسیه تحویل آن را به حالت تعلیق در آورد. در برابر با مطرح شدن ابتکار دولت باراک اوباما برای تنظیم مجدد روابط روسیه و آمریکا و «بازشروع» روابط آمریکا و روسیه، تمایل مسکو برای همکاری با واشنگتن در موضوع هسته ای ایران افزایش یافت. اوج این دیپلماسی با صدور قطعنامه ۱۷۳۷ علیه ایران در سال ۲۰۱۰ و در پی آن تحریم های روسیه علیه ایران رخ داد.

دمیتری مدودف در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ فرمانی با عنوان اقدام های مربوط به اجرای قطعنامه شماره ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل مورخ ۹ ژوئن ۲۰۱۰ صادر کرد که بر اساس آن صدور تانک، خودروهای زرهی، توپ های کالیبر بزرگ، هواپیماهای جنگی، بالگرد، ناو جنگی و سیستم های ضد هوایی «اس ۳۰۰» به ایران و همچنین واگذاری خدمات مالی در رابطه با «برنامه هسته ای» ایران از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی روسی به طرف های حقیقی و حقوقی ایرانی ممنوع شد. بر اساس این فرمان، حتی فعالیت مشترک با بانک های ایرانی در روسیه منع و اعلام شد شعبه های بانکی جدید و بنگاه های بیمه جدید ایرانی در روسیه افتتاح نخواهند شد.

شروع بهار عربی در خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ به عقب نشینی کرملین از حمایت های قبلی خود از سیاست های دولت اوباما در مورد پرونده هسته ای ایران شد. روسیه خود را در مقابل یک طراحی بزرگ به نام اسلام سیاسی می دید که می تواند عواقب

شد روابط دو کشور بدون توجه به مخالفت آمریکا گسترش یابد. از ژانویه ۱۹۹۵ که قرارداد همکاری روسیه با ایران برای به پایان بردن نیروگاه هسته ای بوشهر، در کنار همه مزایای اقتصادی و سیاسی از نظر ویکتور میخائیلوف که سپس وزیر انرژی روسیه شد، این همکاری را راهگشای حضور روسیه در همکاری های مشابه در منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس دانست.

با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین در آغاز هزاره دوم، روابط جمهوری اسلامی با توجه به رویکرد تهاجمی غرب نسبت به منطقه غرب آسیا بیش از گذشته شد، مدتی کوتاه پس از ظهور پوتین در روسیه، روابط تهران و مسکو بار دیگر به سوی همکاری رفت. پوتین وقتی در روسیه به قدرت رسید که بیش از دو سال از به قدرت رسیدن اصلاح طلبان در ایران می گذشت. در سال ۱۹۹۷ سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی رسیده بود و مدت کوتاهی پس از انتخاب پوتین به عنوان رئیس جمهور روسیه، در انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران نیز اکثریت اصلاح طلب به پارلمان راه یافتند. این تحولات موجب نگرانی مسکو از احتمال بهبود در روابط تهران - واشنگتن می شد، اما پس از ملاقات خاتمی با پوتین در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سپتامبر ۲۰۰۰ و سپس انتقادهای او از سازمان ملل در سخنرانی اش در مجمع عمومی در مورد محکوم کردن ایران به دلیل دستگیری چند جاسوس یهودی، شرایط از دیدگاه روس ها بهتر شد.

سفر محمد خاتمی رئیس جمهور ایران به مسکو در سال ۲۰۰۱ آغازی بر دور جدید توافقاتی تهران - مسکو بود. هر دو طرف، آشکارا انگیزه ها و اهداف کافی برای توسعه مناسبات دوجانبه داشتند. برخلاف نخستین دهه پس از استقلال روسیه که رویکرد غربگرایانه بر سیاست خارجی این کشور حاکم بود، در پرتو حاکمیت نگرش اوراسیایگرایانه بر مسکو، توسعه روابط روسیه با جمهوری اسلامی ایران هدف قرار گرفت. بهبود بهای انرژی همچنان که درآمد روسیه را افزایش داده بود، شرایط اقتصادی ایران را نیز بهبود بخشیده بود و از نظر روس ها احیای روابط تسلیحاتی می توانست منبع درآمد جدید روسیه باشد. ایران پس از هند و چین سومین واردکننده سلاح از روسیه برآورد می شد. ضمن اینکه توسعه روابط نظامی با تهران می توانست ظرفیت های مناسبی برای چانه زنی مسکو با واشنگتن در برداشته باشد. در ادامه در سال ۲۰۰۷ نشست سران کشورهای حاشیه خزر در تهران در اکتبر ۲۰۰۷ و دیدار پوتین رئیس جمهور روسیه با آیت الله سیدعلی خامنه ای رهبر انقلاب اسلامی ایران افق های جدیدی از همکاری دوجانبه و منطقه ای را در آسیای مرکزی برای دو طرف در منطقه خزر و قفقاز گشود. توافقی هایی هم در زمینه افزایش روابط اقتصادی دو کشور انجام شد که اراده لازم برای عملیاتی شدن نداشت. به طور نمونه در جریان نشست کمیسیون همکاری های اقتصادی روسیه - ایران در مسکو در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۷ پیش نویس توسعه درازمدت روابط تجاری - اقتصادی، صنعتی و همکاری های فنی مابین روسیه و ایران امضا شد. در همین زمینه در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۷ پیش نویس همکاری برای برابرسازی استانداردها و معیارهای دو کشور بین سازمان فدرال استاندارد روسیه و سازمان استاندارد و کنترل کیفیت ایران بسته شد. علاوه بر این، در همان زمان دولت ایران و روسیه توافقنامه ای در مورد همکاری در حوزه گردشگری امضا کردند. در دوره دوم ریاست جمهوری پوتین، در مسیر اجرای سیاست خارجی روسیه در خاورمیانه، آشکارا عوامل راهبردی و سیاسی، جای ملاحظات اقتصادی را گرفته بود. بر همین اساس روابط با ایران نیز بهبود بیشتری را تجربه می کرد، بویژه در شرایطی که فشارهای آمریکا نیز شدت می یافت اما با انتقال قدرت از ولادیمیر پوتین به دمیتری مدودف در سال ۲۰۰۸، بار دیگر روابط تهران و مسکو دچار رکود قابل توجهی شد.

با روی کار آمدن آقای احمدی نژاد روابط ایران با روسیه بیش از هر زمان دیگر مطلوب تر شد اما با ایجاد بحران هسته ای بخصوص در دوره مدودف و در شرایط تیرگی روابط آمریکا و روسیه، این کشور قرارداد یک میلیارد دلاری فروش موشک های اس ۳۰۰ به ایران را امضا کرده بود؛ ولی با صدور قطعنامه ۱۹۲۹



که ایران همچنان رویکرد ضد آمریکایی خود را حفظ کند. بعد از قرارداد سال ۲۰۱۵ روابط ایران و روسیه به سمت همکاری بیشتری سوق پیدا کرد. با روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ که بهترین گزینه ممکن برای روسیه بود، روسیه سیاست متوازنی را در برابر ایران و آمریکا اتخاذ کرد. هرچند با خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸، مسکو روابط خود را با ایران تقویت کرد.

■ روابط اقتصادی ایران و روسیه

در طول سال های گذشته یکی از چالش های بزرگ در روابط ایران و روسیه توسعه روابط تجاری بوده است. حجم تجارت ایران و روسیه همیشه زیر دو میلیارد دلار بوده که در مناسبات تجاری بین المللی رقم قابل توجهی نیست. برای مثال حجم تجارت ترکیه و روسیه بیش از ۳۰ میلیارد دلار است که دو طرف برای افزایش این رقم به ۱۰۰ میلیارد دلار برنامه ریزی کردند، این موضوع یک عامل تعیین کننده در مسائل سیاسی است. با اینکه ترکیه و روسیه در بسیاری از مسائل سیاسی نظرات متفاوتی دارند اما سطح روابط تجاری خود را بالا نگه داشته اند از طرف دیگر با اینکه ایران و روسیه در بسیاری از مسائل نگاه مشابه سیاسی دارند اما روابط تجاری آنها ضعیف عمده دارد.

روسیه در سال ۲۰۱۹ میلادی، ۶۸۸ میلیارد و ۱۱۵ میلیون

جبران ناپذیری برای روسیه در پی داشته باشد، بخصوص پدید آمدن گروه های افراطی و تروریست و حضور در مناطق نفوذ روسیه به غیر از اینکه می تواند امنیت ملی روسیه را تهدید کند، امنیت انرژی که در دکتترین روسیه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، را تهدید کند. به همین دلیل روس ها در ابتدا سیاست کارانه در قبال تحولات سال ۲۰۱۱ در پیش گفتند اما با گذر زمان و ورود جمهوری اسلامی به این تحولات، با سیاست های جمهوری اسلامی در منطقه در مواردی همراهی کردند. (البته با توجه به منافع روس ها)

پس از تحولات سال ۲۰۱۱ روابط ایران و روسیه با توجه به متغیرهای مختلف وارد مرحله ای جدید شد. این تحولات که در اواخر دوره مدودف صورت می گرفت و روابط ایران و روسیه که بعد از همراهی روس ها با غرب علیه پرونده هسته ای ایران به سمت سردی می گرایید، بهار عربی (بیداری اسلامی) تحولی مهم در روابط و شراکت ایران و روسیه بود. امری که باعث شد روسیه در نگاه خود به منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا تجدیدنظر کند. هر چند که روسیه در اوایل سیاست محافظه کارانه ای را اتخاذ کرد اما در ادامه با گذشت زمان، سیاست خود را در منطقه و در برابر ایران تغییر داد. روس ها که در بحران لیبی سعی کردند

